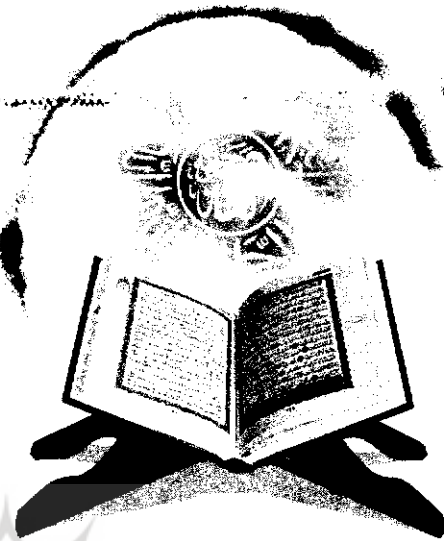


رهنمودها و نگرانیهای مولانا درباره قرآن

عبدالکریم پاک نیا



«عَلَيْهِ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى
يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»^۱، علی با قرآن و قرآن با
علی است. آن دو هرگز از هم جدا
نمی‌شوند تا اینکه [در روز قیامت] در
کنار حوض کوثر به نزد من آیند.»

طبق این گفتار شیوای نبوی، بعد
از رسول خدا ﷺ نزدیک‌ترین فردی
که با قرآن آشناست، علی علیه السلام است؛ اما
با کمال تأسف این نزدیک‌ترین یار
قرآن را آن چنان منزوی کردند که به
گفته ابو صالح حنفی، روزی بر بالای
منبر، کتاب خدا را بر سر مبارک نهاد و

در مورد ارتباط قرآن و مولای
متقیان حضرت علی علیه السلام بسیاری از
پژوهشگران به فراخور حالشان
موضوعی را برگزیده و در مورد آن قلم
زده‌اند. برخی به جمع آوری قرآن
توسط آن حضرت، عده‌ای به جایگاه
والای امام در آیات وحی و گروهی به
تفاسیر و شأن نزول آیات از منظر آن
گرامی توجه دارند.

این قلم نیز می‌کوشد در این
فرصت کوتاه به یکی از این
موضوعات پردازد.

سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آئینه
تمام‌نمای بحث ماست که می‌فرماید:

۱. کشف الیقین، علامه حلی، مؤسسه چاپ و
نشر، ۱۴۱۱ق، ص ۲۳۶.

با کمال ناراحتی به درگاه الهی عرضه داشت: «اللَّهُمَّ قَدْ مَنَعُونِي مَا فِيهِ فَأَعْطِنِي مَا فِيهِ»^۱ خداوند! مرا از آنچه در این مصحف شریف است، باز داشتند؛ پس

آنچه را در آن است، به من بده!

نگرانی از انزوای قرآن

از مهم‌ترین نگرانیهای امام علی علیه السلام فاصله گرفتن مسلمانان از قرآن و معارف و حیانی آن بود. آن حضرت در طول حیات خود همواره تلاش می‌کرد تا مردم مسلمان با مفاهیم بلند و حیات‌بخش قرآن آشنا شوند و آن را در متن زندگی خود قرار دهند؛ همچنان که خود نیز چنین بود.

امام از انزوای قرآن در میان مسلمانان رنج می‌برد و با دلی دردمند عرضه می‌داشت: «إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مِنْ مَغْشِرٍ يَعِيشُونَ جُهَالًا وَيَمُوتُونَ ضَلَالًا لَيْسَ فِيهِمْ سَلْعَةٌ أَنْوَرُ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَّيْ حَقٌّ تَلَاوَتِهِ وَلَا سَلْعَةٌ أَنْفَقُ يَبْعًا وَلَا أَغْلَى ثَمَنًا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ»^۲ از مردمی که در جهالت زندگی می‌کنند و با گمراهی می‌میرند به خدا شکایت می‌کنم [زیرا]

در میان آنها کالایی کسادیتر از قرآن نیست، هنگامی که به گونه شایسته

تلاوت شود و هیچ متاعی سودآورتر و گرانبه‌تر از قرآن نیست، هنگامی که تحریف و از معانی حقیقیش دگرگون شده باشد.

امام نه تنها نگران غربت قرآن در عصر خود بود، بلکه گاهی از بی‌توجهی نسلهای بعد از خود و عصرهای آینده به قرآن و حقایق آن ابراز نگرانی می‌کرد. آن حضرت می‌فرمود: «بعد از من روزگاری فرا می‌رسد که قرآن و پیروانش از میان مردم رانده و فراموش می‌گردند. هر دو غریبانه در یک مسیر ناشناخته بی‌پناه می‌شوند و جایگاهی برای آنان در میان مردم نخواهد بود. قرآن و پیروانش در میان مردم اند؛ اما گویا حضور ندارند. مردم در آن روز در جدایی و تفرقه هم داستان، و در اتحاد و یگانگی پراکنده‌اند. گویی آنان پیشوای قرآن بوده و قرآن پیشوای آنان نیست. از قرآن جز نامی در نزدشان نیست. آنان جز خطوط قرآن و اعراب آن چیز

۱. الغارات، ابراهیم بن هلال ثقفی، قم، مؤسسة دار الکتاب، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۳۱۷.
۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷.

مانیز می شود که مسلمانان جهان دست از حمایت و رهبری قرآن کشیده و به طاغوتها و اهل دنیا متمایل شده اند و گر نه، اگر طبق آموزه های قرآن عمل می کردند و با حفظ وحدت و انسجام خود در تحت پرچم توحید با کفر و شرک و مظاهر ضد توحیدی به مبارزه برمی خواستند، هرگز دچار چنین ذلت و تشمت و از هم گسیختگی نمی شدند. آری! فاصله گرفتن از قرآن که رمز حیات، عزت و عامل پیروزی و حرکت و ترقی در زندگی مسلمانان است، چنین فرجامی دارد.

در بسیاری از کشورهای اسلامی قرآن و معارف بلندش به حاشیه رانده شده و به صورت یک کتاب مقدس تشریفاتی درآمده است که فقط در جاهای مقدس و پاک قرار دارد و با صوت زیبا و لحن دل آرا در مجالس خوانده می شود و یا در سر در محرابها و دیوارهای امکانه مقدس نوشته شده و برای کسب ثواب تلاوت می شود. بسیاری از مسلمانان از هر گروه سنی،

دیگری را نمی شناسند.^۱ آری، امام نگران روزی بود که قرآن در دست مسلمانان بوده، نام آن زبانزد خاص و عام باشد و همه از قرآن سخن بگویند و حتی تلفظ کلمات، اعراب، خطوط و حروف آن را به خوبی بشناسند و یاد گیرند، اما هرگز در فکر معارف بلند و اهداف انسان ساز قرآن نباشند، به هدایت و دانش قرآن توجه نکنند، تفسیرهای حقیقی آن را از اهلش نگیرند و در نتیجه گرفتار انواع و سوسه ها، افکار انحرافی و اندیشه های گمراه کننده گردند و از قرآن و مقدسات شرعی به عنوان ابزار و وسیله برای رسیدن به مقاصد شوم شیطانی بهره گیرند.

این نگرانیهای امام علی علیه السلام همه برگرفته از آیات قرآن است که از زبان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»^۲ «و فرستاده خدا گفت: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند.»

این گلایه و شکایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و نگرانی علی علیه السلام شامل عصر

۱. همان، خطبه ۱۴۷.

۲. فرقان/۳۰.

به ویژه جوانان آیات آن را حفظ کرده، به عنوان قاری و حافظ، جوایزی دریافت می‌کنند؛ اما قوانین روزمره این کشورها همه برگرفته از بیگانگان و غیر مسلمانان است و در داخل کشور نیز با همه تلاشهایی که می‌شود، هنوز قرآن ناشناخته و غریب است.

این همان مهجوریت قرآن است که گروه اندکی از صهیونیستها عقاید و فرهنگ و تمام هستی یک میلیارد مسلمان را به مسخره گرفته، هر روز طبق دلخواه خود تصمیماتی را برای مسلمانان و کشورهای اسلامی می‌گیرند و سرنوشت آنان را به نفع خود رقم می‌زنند و اسلام و مسلمانان و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مورد توهین قرار می‌دهند. برخی از نشانه‌های مهجوریت قرآن که دل پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام را به درد می‌آورد، عبارت‌اند از: یادگیری الفاظ و عبارات قرآن و فراموشی عمل به آن، استفاده ابزاری از آیات قرآن، تمسک به ظاهر قرآن و طرد اهل قرآن و مفسران حقیقی (امامان معصوم علیهم السلام)، حفظ و قرائت قرآن بدون تدبر و تعمق، تفسیر به رأی

و بهره نرفتن از هدایت‌های حقیقی آن.^۱

علی علیه السلام حتی در آخرین لحظاتی که در آستانه شهادت قرار داشت، از مهجوریت قرآن نگران بود و سفارش اکید می‌کرد که: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ فَلَا يَسْبِقْتُمْ إِلَى الْعَمَلِ بِهِ غَيْرَكُمْ؟» خدارا خدارا در مورد قرآن [در نظر بگیرید!] مبدا دیگران در عمل به آن بر شما سبقت بگیرند!»

وظایف امت در قبال قرآن

اگر مسلمانان بخواهند به قرآن عمل کنند و این نگرانی پیامبر صلی الله علیه و آله و دغدغه وصی بلافضلش علی علیه السلام را رفع نمایند، باید به توصیه‌ها و رهنمودهای امام علی علیه السلام در این زمینه گوش جان بسپارند و از صمیم قلب عمل کنند. سفارشها و رهنمودهای امام از این قرار است:

الف. آموزش قرآن

آموزش و یادگیری متن قرآن و

۱. دانش‌نامه امام علی علیه السلام، علی اکبر رشاد، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۹، ص ۱۷۷.

امام نه تنها نگران غربت قرآن در عصر خود بود، بلکه گاهی از بی توجهی نسلهای بعد از خود و عصرهای آینده به قرآن و حقایق آن ابراز نگرانی می کرد.

پیامهای جاودانه آن، یکی از وظایف مسلمانان است. علی علیه السلام یکی از حقوق فرزند بر عهده پدر را آموزش قرآن می داند و می فرماید: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ يُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ»^۱ حق فرزند بر عهده پدر این است که نام زیبا برایش برگزیند و ادبش را نیکو گرداند و قرآن تعلیمش دهد.»

ب. قرائت قرآن

امام در مورد اهمیت قرائت قرآن می فرماید: «باید تمام سخن شما، یاد خدا و خواندن قرآن باشد؛ زیرا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد: کدام یک از

اعمال نیک نزد خدا برتر است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: قرائت قرآن و اینکه در حال مرگ زیانت به یاد خدا مترنم باشد.»^۲

قرائت قرآن بهترین همدم و مایه انس است و یک مسلمان می تواند آن را در دل شبها انیس خود قرار دهد. امام در گفتاری کوتاه می فرماید: «لِيَكُنْ سَمِيْرًا الْقُرْآنَ»^۳ شایسته است سخنگوی تو در دل شب قرآن باشد.» آن حضرت حتی گوش دادن به قرائت قرآن را مورد توجه قرار می دهد و به کسانی که آیات الهی را استماع می کنند، مژده می دهد که: «هر کس آیه ای از قرآن را استماع کند، برای او بهتر از این است که یک کوه طلا به دست آورد.»^۴

ج. تدبیر در معانی آیات

بعد از آموزش آیات قرآن و مداومت به قرائت و تلاوت^۵ آن،

۱. نهج البلاغة، حکمت ۳۹۹.

۲. جامع الاخبار، تاج الدین شعیری، قم، نشر

رضی، ص ۱۳۶۳، ش، ص ۴۱.

۳. غررالحکم، ج ۲، ص ۱۱۷۸.

۴. جامع الاخبار، ص ۴۱.

۵. تلاوت، مفهومی بالاتر از قرائت دارد؛ چرا

که تلاوت به همراه علم و تدبیر و تفکر و عمل



واجب بودن اطاعت از ما بیان شده است.^۲ آری، عمل به قرآن، ضامن سعادت و عامل خوشبختی هر انسان حقیقت طلب و خداجوست.

امام علی علیه السلام تأکید می کرد که: «تَمَسَّكَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ وَانْتَصَحَهُ وَحَلَّلَ حَلَالَهٖ وَحَرَّمَ حَرَامَهٗ وَاعْمَلَ بِعَزَائِمِهٖ وَ أَحْكَامِهٖ»^۳ به ریسمان [محکم] قرآن چنگ بزن و رهنمودهای آن را بپذیر و حلالش را حلال و حرامش را حرام بدان و به واجبات و احکام آن عمل نما.

حضرت به پسرش محمد حنفیه می فرمود: «پسرم! بر تو باد به قرائت قرآن و عمل به محتوای آن و التزام به واجبات شرایع و حلال و حرام و امر و نهی آن و نیز شب زنده داری به قرآن و تلاوت آن؛ زیرا قرآن پیمان نامه خداوند متعال با بندگان اوست و بر هر مسلمان بایسته است که هر روز در

مرحله تدبیر در معانی و فهمیدن آموزه های حیات بخش قرآن است. مسلمانی که قرآن می خواند، اما در کلمات و آیات و مفاهیم آن تدبیر و تفکر نمی کند، چندان از کلام خدا بهره مند نخواهد شد. امام در این مورد سفارش می کند: «تَدَبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَاعْتَبِرُوا بِهٖ فَانَّهُ اَبْلَغُ الْعِبَرِ»^۱ در آیات قرآن تدبیر کنید و از آن [درس و] عبرت بگیرید؛ زیرا که آن رساترین [و روشن ترین] عبرت هاست.»

د. عمل به دستورات قرآن

مهم ترین مرحله انجام وظیفه در قبال قرآن، عمل به دستورات و پیامهای آن است؛ زیرا قرآن نسخه شفابخش زندگی و کتاب عرفان، تربیت، قانون و سعادت است.

امام در این مورد به طلحه بن عبید الله فرمود: «اگر به آنچه که در قرآن است، عمل کنید، از دوزخ نجات خواهید یافت و به بهشت خواهید رفت. در قرآن حجت ما، بیان حق ما و

می باشد. (مفردات راغب ذیل ماده تلاوت)

۱. غررالحکم، ج ۲، ص ۱۱۷۶.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۵۴.

۳. غررالحکم، ج ۲، ص ۱۱۷۶.

**مهم‌ترین مرحله انجام
وظیفه در قبال قرآن، عمل
به دستورات و پیامهای آن
است؛ زیرا قرآن نسخه
شفابخش زندگی و کتاب
عرفان، تربیت، قانون و
سعادت است**

سرکشی و گمراهی است. با توسل به قرآن حاجتهای خود را از خدا بخواهید و با محبت قرآن به سوی خدا روی آورید و قرآن را وسیله خواهش از مردم قرار ندهید؛ زیرا وسیله‌ای بهتر از قرآن برای تقرب بندگان به خداوند وجود ندارد. مطمئن باشید که شفاعت قرآن پذیرفته شده است و سخنش تصدیق می‌شود.^۲

۱. من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۲، ص

۶۲۸

۲. نهج البلاغه، خطبه ۳۳۴.

پیمان‌نامه خدا بنگرد و بخواند؛ گرچه فقط پنجاه آیه باشد.

بدان که درجات بهشت به شماره آیات قرآن است. پس در روز قیامت به قاری قرآن گفته می‌شود: بخوان و بالاتر رو!

به این ترتیب، پس از پیامبران و صدیقان، هیچ کس در بهشت، درجه‌ای بالاتر از قاری قرآن نخواهد داشت.^۱

۵. توسل به قرآن

برای ارتباط با خداوند متعال، راههای بسیاری وجود دارد؛ دعا، ذکر، توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام)، عبادت و نماز و توسل به قرآن برخی از شیوه‌های ارتباط با پروردگار عالمیان است. علی (علیه‌السلام) یکی از منافع و بهره‌های وجودی قرآن را توسل به آن می‌داند و بر این باور مقدس تأکید دارد که: «درمان دردهای خود را از قرآن بخواهید و در سختیهای زندگی از قرآن مدد بجوید که در قرآن درمان بزرگ‌ترین بیماریها، یعنی کفر و نفاق و